

اما گو در زار چند

با سلام گرم از این که در بنام سو یا بنی ما نویسم بود بر می خوانم از پیشها دست در باره نقد کتابت  
دیویره از آن کار در حیواناته - بگفت از سالی به نشانه و چراغ بنیر خلی خوشم آمد نوشته ام اگر حال  
و حوصله دارم اگر دارم اما تا سغانه وقت ندارم. بربری و تحقیق و تطبیق شو معاصر ایران، انفا نسان  
و تا چکیان سال ۶۰ کار رسم من بوده است، که این کار را حال ام دوست دارم در همین چند ماه اخیر ساید  
در حدود ۵-۶ مجموعه شعر که از ایران دارم برام فرستاده بودند و نظرم را خوانسته بودند خواندم و جواب  
دادم آنها به شکل نامه. بنیابراین خلی دارم ما خواست با پر "مکار سنی". اما چکنم که کم کارم و کم عمر  
از آستان گذشته، بدون آنکه از راه در بران نوشتن خالرات در آستانه باشم، این کار را شروع  
کردم و این وقت است وقت لوله آن دست نداده. اگر اهلام خاطره نگار در زن خانوش شود

آنوقت می توانم به کار دیگر بپردازم.  
نظرونه غالب احمدی مدد که دو جلد دیگر چاپ شده بود) و نقد خوب که شماره ۳۵ بر را خوانده تر  
کرده است. فکر می کنم گفت و شنود که به بیتر با بانوان میزنند صورت مگر در نیز، سوز زبان بولد  
بچه را از آن در خواند کرد. وقت با شد.

نوشته ام در ضل در اردیبهشت ۱۳۵۰ (بجا عنوان گواها) و خنک را در ۱۲ ماه ماری  
ساید به مانند روز زن چاپ کنید. دوست دیگر یعنی «روح عاشق زن» و «کودکان خوانند» همانم  
که اگر خوانند یکجا نشر کنند و مرا از پرسش و پیشها در این بر است هر چه می خوانم را چاپ نمی کنم  
و هر چه می خوانم «مردانه» است، آرزو سازند. اگر لطفاً دستاره از آن صمد را برام بفرستید ممنونم  
خواند کرد.

کسیا در سلام محبت آنم را ببند برید به هم حواسان لدره کننده پربانید.

زلاله  
لندن ۲۳ ژانویه ۱۹۸۹